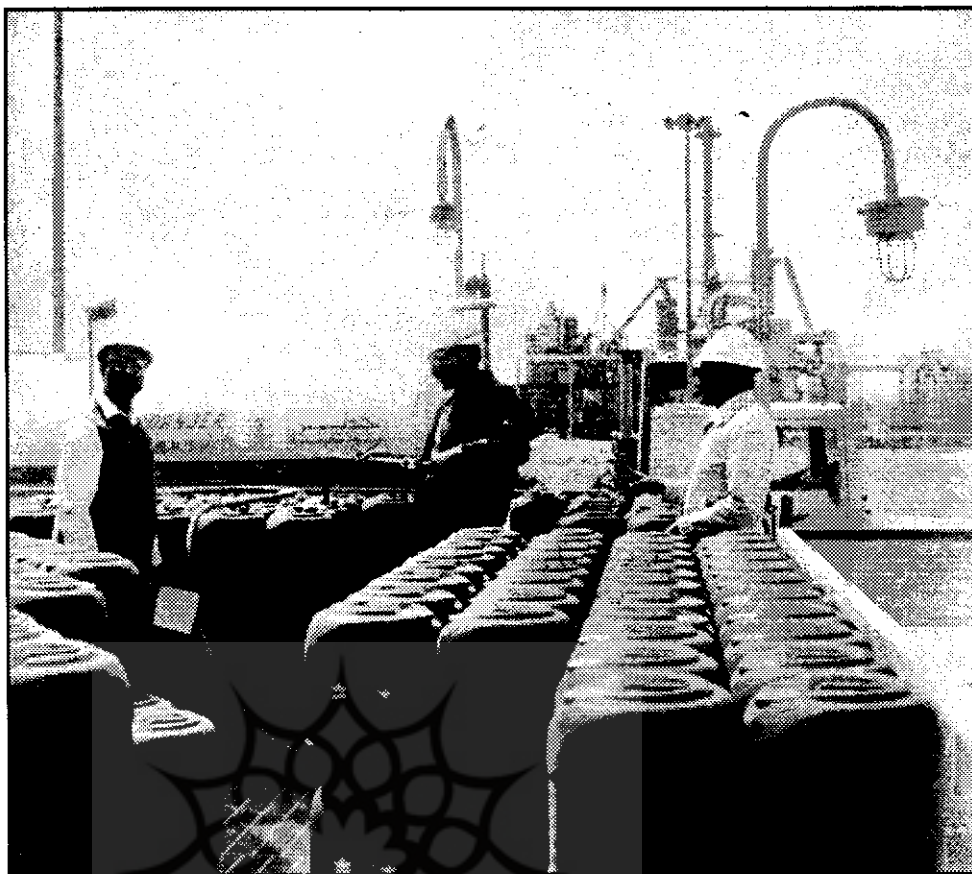


تأثیر تغییرات قیمت نفت بر اقتصاد جهان



مصطفی شریف‌النبی

۱۶۳/۴ میلیارد دلار به ۳۴۱/۶ میلیارد دلار رسیده است. در نتیجه، سهم نفت در صادرات جهانی از ۱۹/۶ درصد در سال ۱۹۷۴ به ۲۳/۳ درصد در سال ۱۹۸۱ افزایش یافته بود در حالی که در سال ۱۹۹۷ این سهم فقط ۶/۱ درصد بود. سهم صادرات نفت کشورهای اوپک که مشخصاً صادرکننده اصلی نفت بوده و قسمت اعظم صادراتشان نفت است، از ۱۴/۴ درصد در سال ۱۹۷۴ به رقم ناچیز ۲/۹ درصد در سال ۱۹۹۷ تقلیل یافته است (جدول ۱). نمودار ۱ نیز نشانگر کاهش درصد واردات نفت از کل واردات کشورهای عضو OECD است. اگرچه هنوز آمارهای رسمی صادرات

موجود خلاف آن را نشان می‌دهد. به خصوص اگر تغییرات واقعی قیمت‌های نفت و روند کلی اقتصاد جهان را دنبال کنیم، به نتایج قابل توجهی خواهیم رسید.

یکی از تغییرات عمده به وجود آمده، کاهش شدید سهم نفت در کل تجارت بین‌المللی است. از زمان جنگ اعراب و اسرائیل در اکتبر ۱۹۷۳، ارزش صادرات جهان تاکنون ۷ برابر شده است و مطابق آخرین آمار منتشر شده از سوی IMF در طول همین مدت ارزش صادرات نفت جهانی اندکی بیش از دو برابر شده، به گونه‌ای که از

افزایش قیمت‌های نفت در سال ۱۹۹۹، تجربه دو شوک نفتی در سالهای ۷۳ و ۷۹ را دوباره در اذهان زنده کرد. سخن‌هایی که اکنون از گوشه و کنار شنیده می‌شود، حکایت از اثر این افزایش بر اقتصاد جهانی و خطر فزونی تورم و رکود همزمان اقتصادی را دارد. اما آمار و ارقام اجزای تشکیل‌دهنده قیمت یک گالن بنزین

در آمریکا

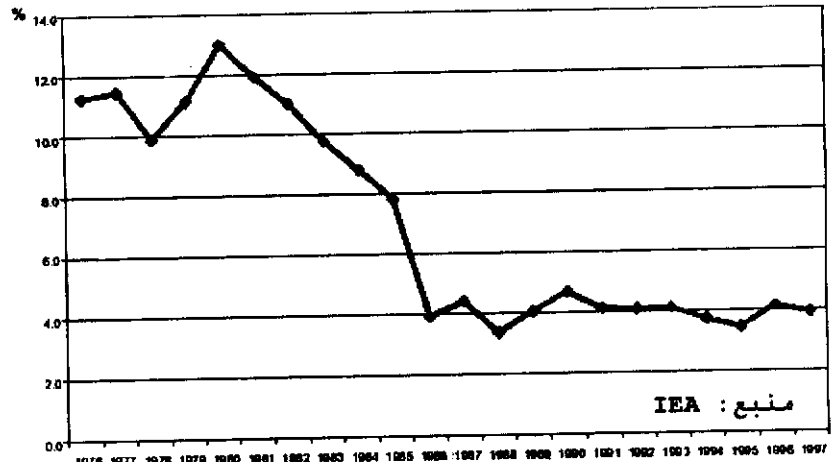


جدول ۱. سهم نفت در تجارت جهانی (میلیارد دلار)

۱۹۹۷	۱۹۸۱	۱۹۷۴	
۵۵۴۶/۸	۱۹۲۴/۲	۸۲۹/۱	صادرات جهان
۳۴۱/۶	۴۴۸/۶	۱۶۳/۴	کل صادرات نفت
۱۶۱/۶	۲۶۱/۱	۱۱۹/۸	صادرات نفت اوپک
%۶/۱	%۲۳/۳	%۱۹/۶	نسبت صادرات نفت به کل صادرات جهان
%۲/۹	%۱۳/۵	%۱۴/۴	نسبت صادرات نفت اوپک به کل صادرات جهان

منبع: AOG

نمودار ۱: سهم واردات نفت از کل واردات کشورهای OECD



قیمت واقعی نفت خام اوپک از ۹/۸۲ دلار در هر بشکه در سال ۱۹۷۴ به بشکه‌ای ۵/۶۱ دلار در سال ۹۷ و به حدود ۴/۳۸ دلار در سال ۹۹ رسیده است. بر پایه آخرین آمار ارائه شده از سوی IMF برپایه شاخص ۱۰۰ برای سال ۱۹۹۰ (سال پایه ۱۹۹۰)، شاخص متوسط قیمت هر بشکه نفت در سال ۱۹۹۷ در حدود ۸۳/۸ واحد بوده در حالی که شاخص قیمت کالاهای جهان به حدود ۱۱۲/۹ واحد افزایش یافته است. در واقع متوسط قیمت کالاها در جهان بالا رفته، اما متوسط قیمت نفت در این مدت کاهش یافته است (جدول ۲).

نکته بعدی که نشانگر کاهش اثر نفت بر اقتصاد جهانی است، چرخش اقتصاد جهانی از اقتصاد تولیدی به اقتصاد خدماتی به خصوص در کشورهای توسعه یافته است. برای نمونه در آمریکا، سهم تولیدکنندگان محصولات سوختی در GDP از ۲۲ درصد در سال ۱۹۷۷ به ۱۷ درصد در سال ۱۹۹۷ کاهش یافته است. در همین زمان، مصرف انرژی آمریکا به ازای هر دلار GDP، از سال ۹۷ تا سال ۹۸ به میزان ۴ درصد کمتر شده است و این در حالی است که این وابستگی در سالهای گذشته سالانه ۱ درصد کاهش یافته بود. پیشرفتهای تکنولوژی، افزایش بهره‌وری، مقررات‌زدایی و آزادسازی اقتصادی از جمله عوامل تعیین‌کننده در کاهش مصرف انرژی و افزایش کارایی آن بوده‌اند. بر طبق گزارش EIA، هزینه‌های مصرف نفت از ۸/۱ درصد کل GDP آمریکا در سال ۱۹۸۱ به تنها ۳ درصد در سال ۱۹۹۸ کاهش یافته است. در اروپای غربی، به طور مشخص، سطح بالای مالیات بر مصرف فرآورده‌های نفتی برای مدتی طولانی اثری به

است. شاخص دیگری که می‌تواند ما را در دستیابی به یک مقایسه مطلوب رهنما باشد، این حقیقت است که سرانه تولید ناخالص داخلی در کشورهای عضو اوپک در سال ۹۷ حدود ۱۹۳۰ دلار بود که حتی قبل از سقوط قیمت‌های نفت در سال ۱۹۹۸، درآمد سرانه در کشورهای عضو اوپک قابل مقایسه با درآمد سرانه کشورهای اروپای غربی به میزان ۱۹۸۵۰ تا ۲۴۷۳۰ دلار، فلسطین اشغالی به میزان ۱۷۲۳۰ دلار و ژاپن ۳۶۷۱۶ دلار نیست.

نکته بعدی آنکه، با وجود افزایش حجم نفت صادراتی، یعنی در سالهای ۱۹۷۴ تا ۱۹۹۷ از ۳۹/۴۳ میلیون بشکه در روز به ۵۰/۱۹ میلیون بشکه در روز، یعنی به علت کاهش قیمت‌های نفت ارزش آن به شدت کاهش یافته و بر مبنای ارزش دلار در سال ۱۹۷۳، میانگین

سال ۱۹۹۹ منتشر نشده است اما با توجه به تحولات اخیر در قیمت‌های نفت و افزایش سطح صادرات در جهان در سال ۱۹۹۹، سهم صادرات نفت نمی‌تواند بیشتر از ۵ درصد کل صادرات جهان باشد که این میزان برابر یک پنجم سهم نفت در سال ۱۹۸۱ است.

در اغلب موارد، نگاهها متمرکز بر درآمد اوپک است که هدف از آن، بزرگ‌نمایی افزایش قیمت‌ها و تأثیر آن بر افزایش درآمدهای اعضای این سازمان است و این در حالی است که جراید و رسانه‌ها، کمتر به درآمد کشورهای دیگر به خصوص کشورهای صنعتی که صادرکننده کالاهای دیگر هستند، می‌پردازند. برای مثال، درآمد اوپک در سال ۱۹۹۹ به میزان ۱۳۰ میلیارد دلار بود که این رقم در صورت مقایسه با درآمدها و صادرات سایر کالاها، معنی و مفهوم واقعی خود را نشان می‌دهد. در سال ۱۹۹۷، قبل از آنکه سقوط قیمت‌ها در بازار نفت را شاهد باشیم، کشورهای عضو اوپک که جمعاً دارای جمعیتی بالغ بر ۴۸۴/۹ میلیون نفر هستند، درآمدی در حدود ۱۶۱/۵ میلیارد دلار از محل صادرات نفت کسب نمودند که این رقم فقط معادل ۲۳/۴ درصد از صادرات ایالات متحده و ۳۱/۵ درصد از صادرات آلمان و ۳۸/۴ درصد از صادرات ژاپن بود. ارزش صادرات هر یک از کشورهای اروپایی، نظیر بلژیک (با ۱۰/۲ میلیون جمعیت) و هلند (با ۱۵/۶ میلیون جمعیت)، به تنهایی بیش از کل درآمدهای اعضای اوپک بوده است. این آمار به خوبی نشانگر ناچیز بودن درآمدهای کل اعضای اوپک در مقابل درآمدهای کشورهای ثروتمند جهان

جدول ۲. شاخص‌های انتخابی برای مقایسه نقش اوپک در اقتصاد جهانی

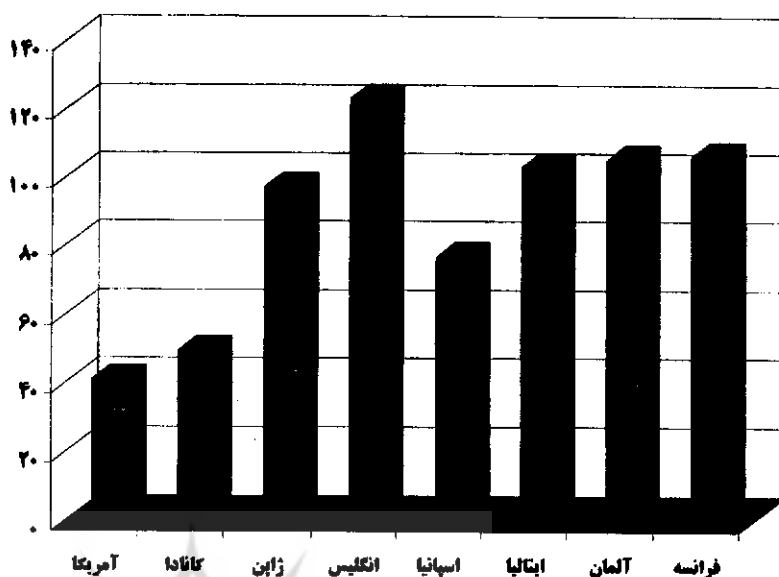
تولید ناخالص ملی سرانه (دلار)	صادرات (میلیون دلار)	جمعیت (میلیون نفر)	
۱۹۳۰	۱۶۱/۵	۲۸۴/۹	اوپک
۳۰۵۱۰	۶۸۸/۷	۲۶۵۱	آمریکا
۲۰۵۳۰	۲۱۴/۴	۲۹/۸	کانادا
۳۶۷۱۶	۴۲۰/۹	۱۲۵/۶	ژاپن
۲۳۶۲۰	۱۷۰/۲	۱۰/۲	بلژیک
۲۲۵۶۵	۲۸۹/۸	۶۰/۱	فرانسه
۲۴۷۳۳	۵۱۲/۴	۸۱/۹	آلمان
۲۲۵۴۴	۱۹۴/۱	۱۵/۶	هلند
۱۹۸۵۰	۲۳۸/۲	۵۷/۳	ایتالیا
۱۷۲۳۸	۲۲/۵	۵/۶	فلسطین اشغالی

منبع: AOG

اروپا

نمودار ۲: قیمت بنزین معمولی در کشورهای صنعتی - مارس ۲۰۰۰ (سنت در هر لیتر)

مالیات ■ هزینه های نفت خام و پایین دستی ■



به استناد گزارش کمیسیون اقتصادی اروپا، در حال حاضر افزایش قیمت کالاهایی نظیر نفت در کوتاه مدت نسبت به ۲۵ سال گذشته از تأثیرگذاری کمتری بر اقتصاد اتحادیه اروپایی برخوردار است و طبق پیش بینی این کمیسیون، علی رغم افزایش قیمت نفت IPC یا شاخص قیمت کالاها (تعدیل شده) از ۱/۲ درصد در سال ۱۹۹۹ تنها به ۱/۵ درصد در سال ۲۰۰۰ و ۲۰۰۱ افزایش خواهد یافت، در حالی که رشد ناخالص داخلی در طی این دو سال حدود ۳ درصد خواهد بود.

نکته مهم دیگر، وجود مالیات های سنگین در کشورهای اروپایی است که به خوبی می تواند از تأثیرات تورمی و رکودی ناشی از افزایش قیمت نفت جلوگیری به عمل آورد. در اینجا با ذکر این مثال، نقش مالیات ها را در خشی نمودن تغییرات قیمت توضیح می دهیم.

با بررسی آمار مربوط به فروش بنزین در کشور فرانسه به ارقام ذیل در فاصله ژوئیه ۹۸ تا ژوئیه ۹۹ می رسیم:

قیمت CIF بنزین: ۱/۰۳ فرانک (به علاوه سایر هزینه ها تا مصرف کننده)

مالیات بر بنزین: ۵/۲۲ فرانک

قیمت فروش بنزین: ۶/۲۵ فرانک.

حال اگر بر اثر افزایش قیمت های بین المللی نفت، قیمت فرآورده وارداتی فرانسه حتی تا ۲ برابر افزایش یابد، در این صورت قیمت CIF بنزین ۲/۰۶ فرانک خواهد شد و اگر دولت فرانسه بخواهد با استفاده از اهرم مالیات ها، قیمت فروش نهایی این فرآورده را ثابت نگاه دارد، یعنی قیمت فروش بنزین را در رقم ۶/۲۵ فرانک ثابت نگهدارد، بنابراین مالیات بر فروش بنزین باید برابر باشد با:

فرانک $4/19 = 6/25 - 2/06$ ، یعنی ۲۰ درصد کاهش در مالیات های دریافتی:

$$\frac{5/22 - 4/19}{5/22} = 20\%$$

در واقع، چنانچه قیمت بنزین در بازارهای جهانی ۲ برابر شده تنها کافی است تا دولت فرانسه ۲۰ درصد از مالیات های خود بر این فرآورده را کاهش دهد، تا اثر افزایش قیمت یاد شده خنثی گردد. اخیراً مسئول بخش اقتصادی بانک فرانسه اظهار داشته است، افزایش بهای نفت تأثیر ناچیزی بر اقتصاد این کشور داشته و

ماده اولیه راهبردی و اصلی ترین منبع انرژی جهان مطرح است و حتی تا چند دهه آینده نیز سلطه آن بر سایر منابع انرژی ادامه خواهد داشت.

نفت و تورم

در گذشته، افزایش قیمت نفت باعث رکود اقتصادی در جهان می شد، زیرا در این حالت سیاست پولی انقباضی در کشورهای صنعتی به کار گرفته می شد تا از تورم بالا جلوگیری شود. اما اکنون با رشد بهره وری، کنترل تورم از راههای آسان تری امکان پذیر است که یکی از آنها دخالت دولت در نرخ دستمزدهاست.

آمریکا

در آمریکا با توجه به اینکه افزایش قیمت های نفت در این کشور به عنوان بزرگترین تولیدکننده و مصرف کننده تأثیری دو جانبه دارد که از یک سو تولیدکنندگان نفت که تولیدی با هزینه بالاتر دارند، از افزایش قیمت خوشحال بوده و این موضوع را باعث رشد اقتصادی خود می دانند، اما مصرف کنندگان افزایش قیمت را نوعی مالیات بر درآمد بر خود می دانند. بنابراین دولت آمریکا که اکنون با مازاد سرسام آور بودجه مواجه است به خوبی می تواند با کاهش مالیات ها جلوی تأثیرگذاری افزایش قیمت نفت را بگیرد.

مراتب بیشتر از قیمت نفت وارداتی بر تورم کشورهای این منطقه داشته است. به علاوه، مالیات بر مصرف نفت در اروپا به قدری بالاست که تغییرات قیمت نفت زیاد به طور ملموسی به مصرف کننده منتقل نمی شود، یعنی آنها با تغییر قیمت نفت شاهد تغییرات محسوسی در قیمت های خرده فروشی فرآورده های نفتی نخواهند شد. نمودار ۲ تفکیک قیمت خرده فروشی یک لیتر بنزین معمولی طی ماه مارس سال جاری در چند کشور صنعتی را نشان می دهد، فقط کافی است به حجم بالای مالیات های دریافتی نظری افکنده شود.

این گونه تغییرات اساسی در اقتصاد جهانی، پاسخی است به این که، چگونه علی رغم افزایش شدید قیمت های نفت در سال ۱۹۹۹، قیمت نفت تنها اثر محدودی بر افزایش عمومی قیمت مصرف کنندگان در کشورهای واردکننده داشته است. در ۱۸ دسامبر گذشته، روزنامه *وال استریت* این روند را در مقاله ای با عنوان قیمت های نفت امسال دو برابر شده است، پس چرا رکود نداریم؟ بررسی و چنین استدلال نموده است، قیمت های نفت دیگر اثر ژرفی بر تجارت بین المللی و اقتصاد جهانی ندارد، اما البته این به معنای آن نیست که در حال حاضر و آینده نفت دیگر کالای مهمی نیست. علی رغم افزایش سهم گاز طبیعی و دیگر منابع انرژی در تراز انرژی جهان، نفت هم اکنون به عنوان یک

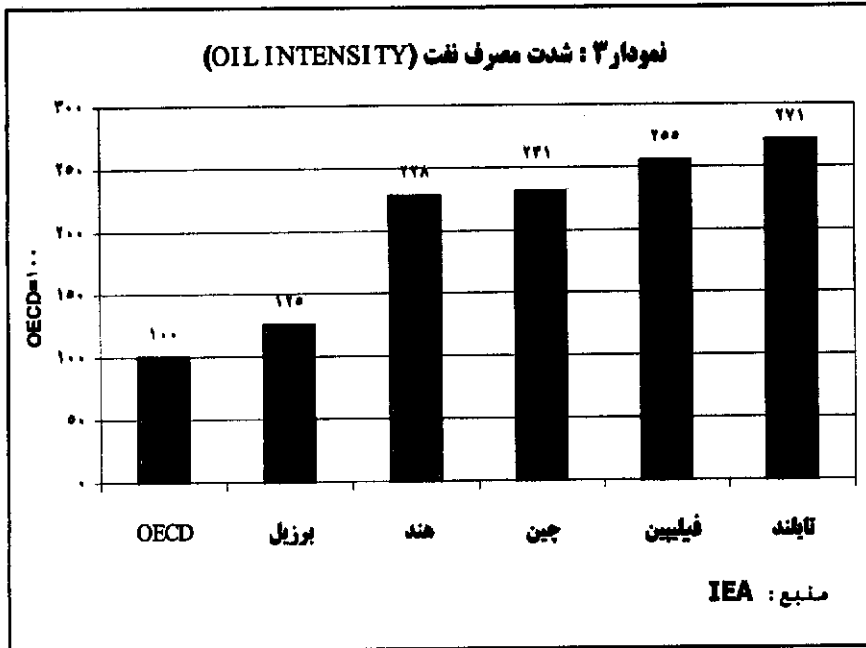
مسلماً باعث کاهش رشد اقتصادی فرانسه نخواهد شد.

ژاپن

رئیس کل بانک مرکزی ژاپن اخیراً در مصاحبه‌ای ضمن رد تأثیر وسیع قیمت‌های نفت بر اقتصاد این کشور، آن را کم‌اهمیت خواند. یادآوری می‌شود اقتصاد ژاپن که در سال ۱۹۹۸ و افت شدید قیمت‌های نفت رکودی برابر ۲/۹- درصد را تجربه نموده بود، در سال ۱۹۹۹ با وجود افزایش شدید قیمت‌های نفت شاهد رشد اقتصادی ۱ درصدی بود.

بیشترین نگرانی از افزایش قیمت‌های نفت از جانب آمریکا ابراز می‌شود و این در حالی است که در اوج قیمت‌های نفت، یعنی در سه ماهه آخر سال ۱۹۹۹، آمریکا از رشد اقتصادی ۶/۹ درصدی برخوردار گردید که در طول ۱۲ سال گذشته، این رشد بی‌سابقه بوده است. قابل توجه اینک، رشد اقتصادی آمریکا در سه‌ماه سوم سال ۱۹۹۹ نیز ۵/۷ درصد بود. بنابراین ملاحظه می‌شود که قیمت‌های کنونی به هیچ وجه خللی در رشد اقتصادی کشورهای بزرگ صنعتی ایجاد نکرده است. مضافاً اینکه، آمریکا از سقوط قیمت‌های اخیر نیز ۶۴ میلیارد دلار درآمد اضافی کسب نموده و برای نخستین بار طی سالیان متمادی، در سال‌های ۹۹ و ۱۹۹۸ کسر بودجه آمریکا تبدیل به مازاد گشته است.

اکنون با توجه به تغییرات اساسی به وجود آمده در اقتصاد جهانی، به ویژه حرکت کشورهای صنعتی و عمده مصرف‌کننده نفت از اقتصاد تولیدی به اقتصاد خدماتی، به نظر می‌رسد که رابطه متغیر قیمت نفت با رشد اقتصادی از نوع متغیر و وابسته به صورت عکس، وابسته و متغیر شده است. در واقع رشد اقتصادی می‌تواند به دلیل بالا رفتن رفاه و درآمد ملی مصرف‌کنندگان در کشورهای مصرف‌کننده باعث



رشد سالانه تقاضای نفت در کشورهای در حال توسعه از سال ۱۹۷۰ به این سو ۵ درصد بوده و این در حالی است که این رشد برای کشورهای صنعتی فقط ۱ درصد بوده است. همان گونه که در نمودار ۳ مشاهده می‌شود، به طور متوسط کشورهای در حال توسعه واردکننده نفت برای تولید هر واحد GDP، دو برابر بیشتر از کشورهای صنعتی نفت مصرف می‌نمایند، بنابراین تأثیر تغییرات قیمت نفت بر اقتصاد آنها به مراتب بیشتر خواهد بود. اما آنچه مسلم است، شرق آسیا به عنوان مصرف‌کننده عمده نفت در بین کشورهای در حال صنعتی شدن در حال سر و سامان گرفتن است و به نظر نمی‌رسد که افزایش قیمت نفت بتواند از رشد اقتصادی آن جلوگیری به عمل آورد. اما در مورد آمریکای لاتین، افزایش قیمت نفت احتمالاً با کاهش تقاضا از سوی این منطقه روبرو خواهد شد. جدول ۳ واردات نفت در چند کشور در حال توسعه را نشان می‌دهد.

افزایش مصرف انرژی، نفت و به ویژه بنزین گردد.

کشورهای در حال توسعه

به نظر می‌رسد کشورهای در حال توسعه تنها گروه کشورهایی باشند که افزایش قیمت نفت می‌تواند بر اقتصاد آنها تأثیر منفی داشته باشد. همگام با رشد اقتصادی مصرف نفت نیز در این کشورها طی چند سال گذشته رشد خوبی داشته است. به ویژه آنکه در عصری که جهان پیشرفته در حال گذار از اقتصاد تولیدی به اقتصاد خدماتی بوده و ارزش کالاهای در مقابل ارزش نرم‌افزار و مغزافزار پایین آمده است، صنایع سنگین مانند قطعه‌سازی خودرو، فولادسازی، صنایع پتروشیمی و کلاً صنایع وابسته به مصرف نفت و انرژی به کشورهای در حال توسعه انتقال یافته است. در نمودار ۳، شدت مصرف نفت برخی کشورهای در حال توسعه در مقایسه با کشورهای عضو OECD نشان داده شده است.

منابع و مأخذ:

- 1- "Oil Price now have a minimal Impact on the World Economy", AOG, 1 Jan 2000.
- 2- "World Energy Outlook", IEA, Mars 2000.
- 3- "Summer gasoline Outlook", EIA, 7 May 2000.
- 4- "European Energy Outlook to 2020 Report", AOG, 1 Jan 2000.
- 6- "IEA Oil Market Monthly Report", IEA, 10 April 2000.
- 7- "Beyond Opec compliance, OGJ, 15 Dec. 1999.

جدول ۳- واردات نفت در چند کشور در حال توسعه: (منبع: IEA)

افزایش هزینه‌های واردات نفت از آوریل ۱۹۹۹ تا آوریل ۲۰۰۰ (درصد)	سهم نفت وارداتی از کل مصرف نفت (درصد)	سهم نفت در سبد انرژی مصرفی (درصد)	کشور
۱۴۷	۵۰	۵۰	برزیل
۱۷۸	۶۱	۱۹	هند
۲۵۲	۲۰	۱۸	چین
۱۶۴	۹۶	۵۱	فیلیپین
۱۶۳	۸۷	۲۷	تایلند